

## گزارش رؤسای مدرسه دارالفنون در باب نواقص این مدرسه

### بهمین بیانی

#### مقدمه

متنی که در زیر می‌آید، بازخوانی نسخه خطی گزارش رؤسای مدرسه دارالفنون در باره مشکلات و نواقص مدرسه دارالفنون است که علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، رئیس مدرسه دارالفنون و وزیر علوم دربار ناصری، این نامه را از زبان همه مسئولان این مدرسه به ناصرالدین شاه قاجار نگاشته است. این گزارش در هشت صفحه مکتوب شده و به صورت کتابچه‌ای مجلد گردید. در ضمن فرمان ناصرالدین شاه به مستوفی‌الممالک جهت رفع این مشکلات در برگه مذهب به آخر این کتابچه الصاق شده که متن فرمان نیز در ادامه گزارش می‌آید و متن دستورات و تمهیدات مستوفی‌الممالک برای پیگیری فرمان پادشاه که در حاشیه گزارش نوشته شده نیز پس از متن فرمان آمده است. این گزارش اطلاعات جامعی از وضع محصلین و متعلمین، مدت تحصیل، محل درآمد و موقوفات مدرسه و غیره، به دست می‌دهد و تا کنون به چاپ نرسیده است. متأسفانه گزارش، فاقد تاریخ است، ولی از قرائن معلوم می‌شود باید مربوط به سال‌های ۱۲۸۴ - ۱۲۸۷ باشد که مستوفی‌الممالک، شخص اول مملکت بوده، زیرا در مرتبه ثانی که عنوان صدراعظم داشت، اعتضادالسلطنه و رضا قلی خان هدایت در قید حیات نبودند.

#### متن گزارش رؤسای مدرسه دارالفنون به ناصرالدین شاه

چون نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم ابلاغ حکم محکم شاهنشاهی - روحنا فداه - را نمودند که جان‌نثاران رؤسای مدرسه مبارکه دارالفنون اگر عیب و بی‌نظمی در کارهای مدرسه دیده، به عرض خاکپای

مبارک رسانیده حسب الحکم جسارت می‌ورزیم.

عرایض ما چاکران این است که در امر مدرسه، ظاهراً هیچ قسم بی‌نظمی واقع نشده، ولی به جهت عدیده برای آنها یأس حاصل است که این منافی ترقی و ترتیب است، به علت اینکه اول چیزی که حکمای قدیم در اروپا تجربه کرده‌اند به جهت هر شغلی و منظوری که تصور شود از تربیت دولتی یا امر جنگ یا تتبع صنایع به خصوص تعلیم و تعلم علوم که سرآمد همه آنهاست، بسته به حواس جمع و معیشت درست است و شوق و امیدواری کلی به ترقی در دولت و اینها الآن درباره اهل مدرسه مفقود شده است.

اولاً موجب و مرسوم هر یک از اهالی مدرسه را از رؤسا و معلمین و متعلمین با هر یک از طبقات نوکران دیوانی بسنجید؛ البته به مراتب کمتر است؛ مثلاً جعفرقلی خان رئیس مدرسه با محمد حسین خان ناظم و تقی میرزا آجودان مدرسه بدون اینکه یک تومان مداخل خارجی داشته باشند، از طلوع آفتاب تا سه ساعت به غروب مانده، مشغول زحمت سوال و جواب با اطفال هستند، از تمام هم قطاران خودشان موجب کمتر دارند(۱) و بعضی موجب شاگردان به قدر سر جوخه و وکیل فوج نیست. اگر در نظر اولیای دولت چنان بیاید که در بدو امر که قرار مدرسه داده شد، معین گشت مواعی در سال اول برای شاگردان داده شود، متدرجاً بر حسب ترقی زیاد نموده این فرمایش درست است، ولی در وقتی بود که دو سال یک مرتبه شاگردان امتحان می‌شدند و متصل موجب زیاد کرده و بعد از آنکه فارغ التحصیل شده، به یکی از مناصب عالیه در نظام اعم از پیاده و سواره و توپخانه یا وزارت امور خارجه، منصبی بزرگ پیدا کرده. الآن چهار پنج سال است امتحان نشده‌اند. همان دوازده تومان یا بیست تومان موجب باقی مانده. شاگردان می‌گویند اگر عملگی بکنیم، بیشتر از این اجرت خواهیم گرفت. گذشته از این، دو سه ماه از سال نو می‌گذرد، هنوز موجب شش ماهه و نه ماهه آنها از سال کهنه باقی است و در اوایل مدرسه مبلغی به اسم مساعده به شاگردان داده می‌شد. سه ماه به آخر سال مانده، موجب آنها به کلی پرداخت می‌شد. و حالت معلمین از ایرانی و فرنگی همین است. مثلاً میرزا رضای دکتر شکایت دارد که سایر دکترها چون خارج از مدرسه هر یک مواعی به هر وسیله باشد زیاد کرده یا انعامی گرفته، من به همان حالت سابق باقی هستم؛ حالت سایر معلمین نیز همین طور است. اگر معلمین فرنگی شکایتی به وزارت امور خارجه نمی‌کنند، مهربانی و رفتار اعتضادالسلطنه است، و الاً همه رفته وزارت جلیله خارجه به توسط سفرا زحمت داده، مطالبه موجب خود را می‌کردند و ما چاکران که سمت ریاست در مدرسه داریم، همه روزه به ضرب چوب و محصلی فراش شاگردان را حاضر کرده، چون به جهت محل ملایر نهار و ملبوس و مخارج جزئیه آنها حاضر است و اعتضادالسلطنه معین کرده‌اند، شاگردان نمی‌توانند(۲) طرفه بزنند و ما چاکران می‌توانیم جسارت کنیم که قبل از انعقاد مدرسه سوای علوم دینی و عربیه و طبابت ایرانی علوم دیگر در ایران نبود که از او فواید برداشته شود و این همه فواید که الآن در دولت علیه پیدا شده که در تمام روزنامه‌های اروپا تمجید و تحسین از اهل ایران می‌شود، به سبب بنای مدرسه مبارکه است؛ مثل علم تلگراف و دواسازی که از آن نتایج عکاسی و بعضی جوهریات و اسباب‌های تماشاخانه گرفته شده و علوم هندسه و جبرثقیل و اقسام حساب و مثلثات اعلی که نقشه کش می‌توان گفت در این علوم با مدارس بزرگ فرنگستان مقابلی می‌کند و علوم طب فرنگی و عمل ید و همچنین طب ایرانی

گزارش رؤسای مدرسه دارالفنون در باب نواقص این مدرسه / بهمن بیانی

که الآن دو حکیم‌باشی معتبر مثل میرزا عبدالوهاب و میرزا سید رضی و نزدیک به شصت نفر طبیب قریب به کمال را درس می‌دهند و السنه مختلفه از فرانسه و انگلیسی و روسی به متعلمین می‌آموزند و بعضی به درجه کمال رسیده و واضح است در آنچه عرض شد احدی را مجال انکار نیست و بعضی مخارج فوق‌العاده در سنوات قبل برای مدرسه پیدا شده به محض اظهار تنخواه به تحویل‌دار نظام یا خزانه‌دار مبارکه حواله شده، آن امر صورت می‌گرفت. الآن وزیر علوم در این‌گونه اخراجات به ملاحظات چند انکار دارند و لابد باید شاگرد آنچه را به علم می‌آموزد، او را در یکبار به عمل آورده، مثل سنگ‌سازی... یا ساختن باستیان و غیره در هریک مخارج دارند (۳) با آنکه نسبت به ازمونه کتب متفرقه یا اسباب هندسه و نقاشی لازم می‌شود باید تنخواه نقد داده شود آن هم چندان منظم نیست.

### مستدعیات جان نثاران:

اولاً چون کلیه تشویق معلمین و متعلمین موجب پیشرفت کارهای عمده مدرسه می‌شود و سابق بر این هم اعلی حضرت اقدس ظل‌اللهی - روحنا فداه - در هر دو ماه یک نوبت تشریف‌فرمای مدرسه می‌شدند و در اطاق‌های درس رفته، معلمین از متعلمین سؤال و جواب حضوری می‌کردند و همین فقره موجب خوف از ندانستن درس و رجاء به الطاف ملوکانه شاگرد می‌شد با کمال شوق در تحصیل خود می‌کوشید و اکنون به هیچ وجه اظهار مرحمتی نمی‌شود و منحصر است به سالی یک نوبت محض مزید شوق معلم و متعلم مرحمت اقدس شاهنشاهی باید مقتضی شود سالی چند نوبت اهالی مدرسه را سرافراز فرمایند و این اظهار مرحمت موجب این می‌شود که اکابر رجال دولت چون خاطر مبارک را مصروف مدرسه می‌بینند، با کمال شوق اطفال خود را به شاگردی می‌فرستند.

دیگر آنکه در هر دو سال یک مرتبه حکم امتحان اهالی مدرسه می‌شد و اگر موجب آنها کم بود به شوق افزودن موجب در امتحان ثانی دلخوش بودند و حتی الامکان در تحصیل (۴) ساعی می‌شدند اکنون پنج سال است که امتحان از ایشان نشده و در این مدت چند طبقه شاگرد تربیت شده و اغلب آنها نزدیک به درجه فراغت از تحصیل‌اند و در کمال خوبی مشغول به تعلیم و تعلم بوده و می‌باشند و هر صنف شاگردی چندین علم دیده است، پیوسته منتظر امتحان هستند، به هیچ‌وجه اظهاری در این باب نشده است و این فقره مایه یأس کلی شده.

دیگر آنکه چون بعضی از معلمین در هر روز دو درس می‌گویند و تا غروب متوقف مدرسه می‌باشند و تهیه درس‌های روز بعد را می‌نمایند و اغلب به سرکشی و امتحان متعلمین در اطاق‌های درس گردش می‌کنند و شب را نیز تا چند ساعت مشغول ترجمه و تألیف و تصنیف هستند و فی‌الحقیقه خدمتشان دائمی است و آنی غفلت ندارند و به خدمت خارجه دولتی که گاه مرجوع می‌شود نیز می‌پردازند و بالنسبه مواجیشان کم است و زحمتشان زیاد، لهذا رئیس مدرسه از خاکپای مبارک مستدعی است که در حق آنها مرحمتی مبذول شود که فی‌الجمله آسایش حاصل نموده، مواظب خدمات و انجام آن باشند (۵).

دیگر آنکه متعلمین مدرسه بر دو قسم‌اند: بعضی اکابر زاده و با بضاعت هستند و اکثری رعیت‌زاده و

بی‌بضاعت، ولی با هوش و ذکاوت. مواجب مدرسه آنها مختلف است: دوازده تومان الی چهل تومان. و چنان اتفاق افتاده که رعیت‌زادگان بعضی هیچ مواجب ندارند و پاره‌ای دوازده دارند و به هیچ‌وجه مدد معاش هم از خارج ندارند و منحصر است به این دوازده تومان، لهذا کافی نیست و اغلب اوقات پریشان احوال هستند و از حالت تحصیل باز می‌مانند و اکابر زادگان چندان احتیاجی به این قلیل مواجب ندارند، بلکه محض تشویق و ترغیب آنها مرحمت می‌شود جان نثاران عرض می‌کند که اگر بالسویه نفری بیست و چهار تومان تمام بدون کسر و نقصان سالیانه در حق آنها مواجب مرحمت شود، مناسب‌تر است و بهتر از حالت کنونی است و چندان ضرری برای دیوان اعلی وارد نمی‌آید و از برای اطفال بی‌بضاعت راه معاش حاصل می‌شود که بتوانند در مدت تحصیل خودداری نمایند. مجموع این مبلغ برای صد نفر شاگرد دو هزار و چهارصد تومان است و قدری از این مواجب اکنون در مدرسه هست که به متعلمین داده می‌شود، مابقی رأی را باید دیوان اعلی مرحمت فرمایند و چنانچه معروض شد، در این تقسیمشان ترقی شاگرد منظور نمی‌شود و آن فی‌الحقیقه وجه معاش آنهاست (۶) نه مواجب دائمی و این مبلغ هرگز افزایش و نقصان نمی‌پذیرد، جز افزایش عدد متعلمین و آن را آنها دریافت می‌نمایند، مادامی که در مدرسه مشغول تحصیل هستند و چون فارغ‌التحصیل شده بیرون رفتند، حقی از آن مواجب ندارند؛ به شاگردی خواهد رسید که در عوض گرفته شود و شاگردان فارغ‌التحصیل چون از مدرسه خارج شدند و عملشان به انجام رسید، باید از جانب اولیای دولت قاهره نسبت به لیاقت هر کس منصب و مواجبی مقرر شود. به خدمت دولت سرفراز آید.

از قراری که عرض کردیم، مدت تحصیل متعلمین هفت سال خواهد بود و بهتر آن است که موافق معمولی تمام دول فرنگستان عدد ایام تحصیل، هفته‌ای شش روز باشد و حتی‌الامکان اسباب تعطیل فراهم نیاید و چون هوای دارالخلافه در تابستان بسیار گرم و مغشوش است، غالب شاگردان با اقارب و خویشان خود به بیلاق حرکت می‌نمایند و جمع‌آوری ایشان خالی از صعوبت نیست. چهل روز از اواسط تابستان را به جای دوشنبه‌های سایر اوقات سال تعطیل قرار دهند که معلم و متعلم بنابر قرارداد کلیه اهل علم چند روزی در ایام فتور و حرارت هوا آسودگی اختیار کنند و از این تعطیل نظر به دایر کردن تحصیل دوشنبه ضرری در تحصیل (۷) سالیانه پیدا نشود و برای دیوان اعلی نیز تفاوتی در خرج وارد نیاید و هفته شش روز در روزی دو درس گفته خواهد شد و سوای ایام جمعه متبرکه که محظور متعلمین همه روزه مشغول تحصیل خواهند بود. از این قرار سال شمسی سیصد و شصت و پنج روز است و سوای پنجاه جمعه و سی روزه رمضان و بیست و سه روز ایام متبرکه و محظوره، روزی دو درس خواهند داد به اضافه مشق نقاشی و عدد ایام تحصیل دویست و بیست روز می‌شود و حال آنکه پس از استثنای جمعات و دوشنبه‌ها و ایام محظوره و متبرکه رمضان، عدد ایام تحصیل یکصد و هشتاد روز است. (۸)

#### متن فرمان ناصرالدین شاه به میرزا یوسف مستوفی‌الممالک جهت رفع مشکلات مدرسه

کتابچه‌ای است که در باب تنظیم مدرسه اعتضادالسلطنه نوشته است؛ الحق درست نوشته است و بنای این مدرسه از اول الی حال الحمد لله لغو نشد و فایده‌های زیاد به دولت رسید و بعد از این هم خواهد

گزارش رؤسای مدرسه دارالفنون در باب نواقص این مدرسه / بهمن بیانی

رسید. حکیم‌الممالک این دفترچه را ببرد، جناب آقا [مستوفی الممالک] ملاحظه کند و این اشخاص هم در مجلس جناب آقا حاضر کند، این دفترچه را بخوانند، قراری که لازم است بدهند که آسودگی کلی از این جهت حاصل آید و دیگر عرض بی‌نظمی به عارض نرسد.

اعتضادالسلطنه، نصرت الدوله، وزیر دول خارجه، وزیر لشکر، علی قلی خان سرتیپ رئیس مدرسه، رضا قلی خان له له باشی.

### متن دستورات مستوفی‌الممالک در حاشیه گزارش برای پیگیری فرمان پادشاه

[۱. در باب بودجه مدرسه نوشته است] و مقصود از این مراتب این است که مدرسه محل مواجهی به قاعده ندارد. ملایر کفایت موجب آنها را نمی‌کند، بعضی مردم در آنجا از دهات خالصه و غیره تیول دارند؛ هر گاه آن تیولات موقوف شود و تنخواه آن عاید اهالی مدرسه شود، این شکایت به کلی موقوف خواهد شد و نواب اعتضادالسلطنه در موقوفی تیولات دو هزار تومان هم پیشکش استمراری می‌دهد. آن دو هزار تومان هم به علاوه جمع ملایر شده، تفاوت موجب به اهالی مدرسه داده. تیولات هم بر چند قسم است: آنکه مال اصطبل توپخانه است، نباید برقرار باشد و آنها هم که در ملایر ملک دارند، خودشان در عوض موجب خودشان تیول کرده‌اند، آنها هم باید باقی باشند. سایر موقوفات و محل موجب به اهالی مدرسه داده شود.

[۲. در باب تشریف‌فرمائی شاه نوشته است:] ان‌شاءالله مراجعت از سفر التفات خواهد شد.

[۳. در باب امتحان نوشته است:] از حالا نواب اعتضادالسلطنه شروع به تهیه اسباب امتحان نمایند که بعد از مراجعت اهالی مدرسه از بیلاق اقدام به امتحان شود و ان‌شاءالله بعد از آنکه فارغ التحصیل شدند، هر یک به خدمتی مأمور و سرافراز می‌شوند.

[۴. در باب اضافه حقوق معلمین می‌نویسد:] در صورتی که رأی همایون در دو هزار تومان علاوه مقرر بگیرد و تیولات موقوف شود، از آن بابت مرحمت می‌شود.

[۵. در باب پیشنهاد و تعدیل مقرری متعلمین] هر سالی بیست و چهار تومان نوشته است. از بابت دو هزار تومان زیادی، چیزی مرحمت می‌شود. نمی‌توان موجب مردم را کسر کرد، مایوس می‌شوند.

[۶. در باب تعطیلات می‌گوید:] ایام تعطیل در هفته منحصر به همان جمعه باشد. دوشنبه‌ها را درس بخوانند، اما در تابستان چهل روز مرخص شوند، تعطیل نمایند که گرفتار گرما و صدمه نباشند.

ناصرالدین شاه با ملاحظه نظرات مستوفی‌الممالک در صدر گزارش نوشته: «احکامی را که جناب آقا نوشته است، صحیح است، حکم بدهند».

و در سال‌های بعد حکومت بروجرد هم طی دستور شاه جهت مدرسه دارالفنون تعیین گردید و در حاشیه نامه اعتضادالسلطنه نوشته‌اند: «حکومت بروجرد به شما مرحمت شد. اقساط دیوانی آنجا را جناب آقا در عوض رسومات و مقرری اهالی مدرسه و مصارف نهار و شام و غیره، منظور خواهد داشت. تفاوت محل و حق‌الحکومه آنجا هم رعایتی است به شاهزاده».







علم شیخ از این جهت که از استقامت در اندیشه و در پیوستن به حقیقت  
 کار آفرین شده و شب آنرا نزدیک به صبح فریاد است که صدای آگاهی است  
 فریاد خورشید است که برود و صبح صدف شکر در خندان علم دیده است  
 خطرات استقامت به سوی صبح آگاهی است که در این راه فریاد آگاهی است  
 که نشانه  
 که هر کس که در این عصر زین در روز و در هر کس که در این راه فریاد آگاهی است  
 میباشند و وقت در هر روز به هر چه که در این راه فریاد آگاهی است  
 در علم آفرینند و هر کس که در این راه فریاد آگاهی است  
 تصنیف است و در تصنیف هر کس که در این راه فریاد آگاهی است  
 خارج از هر که که در این راه فریاد آگاهی است  
 در وقت از روی آگاهی است که در این راه فریاد آگاهی است  
 آنرا هرگز نمیخواهد که در این راه فریاد آگاهی است  
 آن باشد

این کتاب را در روز ۱۰ بهمن ۱۲۸۵ در طهران  
 در دفتر دارالفنون  
 از طرف رؤسای مدرسه  
 امضا کردیم

که در این عصر زین در روز و در هر کس که در این راه فریاد آگاهی است  
 در علم آفرینند و هر کس که در این راه فریاد آگاهی است  
 تصنیف است و در تصنیف هر کس که در این راه فریاد آگاهی است  
 خارج از هر که که در این راه فریاد آگاهی است  
 در وقت از روی آگاهی است که در این راه فریاد آگاهی است  
 آنرا هرگز نمیخواهد که در این راه فریاد آگاهی است  
 آن باشد

این کتاب را در روز ۱۰ بهمن ۱۲۸۵ در طهران  
 در دفتر دارالفنون  
 از طرف رؤسای مدرسه  
 امضا کردیم





